خبر

«سلمان‌فارسی» پیونددهنده نسل‌ها می‌شود

امرا... احمدجو، یکی از نویسندگان سریال «سلمان‌فارسی» با اشاره به این سریال تلویزیونی گفت: بیش از ۴۰ درصد از این سریال آماده شده است.احمدجو درباره این سریال گفت، ابتدا گمان می‌کردم به‌واسطه زندگی فرهنگی و غیراکشن (کمتر دراماتیک) این شخصیت تاریخی، نشود برای آن سریال ساخت. فکر می‌کردم نهایتا به اندازه یک فیلم سینمایی ظرفیت داشته باشد اما وقتی فیلمنامه را خواندم با اثری درخشان و پرفراز و نشیب روبه‌رو شدم؛ اثری که سال‌ها دیده خواهد شد و پیونددهنده نسل‌ها می‌شود. همین باعث شد به آقای میرباقری پیشنهاد بدهم که در کنارشان باشم.

سریال سلمان‌فارسی به نویسندگی و کارگردانی داوود میرباقری و تهیه‌کنندگی حسین طاهری توسط زلال‌فیلم و به سفارش مرکز سیمافیلم ساخته می‌شود. این سریال به زندگی و زمانه سلمان‌فارسی یار ایرانی پیامبر در سه فصل ایران دوران ساسانی، بیزانس و صدر اسلام می‌پردازد.این پروژه از زوایایی چون دربر گرفتن چند دوره تاریخی ـ تمدنی و پرداختن به زمانی طولانی (حیات تا ممات)، بزرگ‌ترین سریال تاریخ تلویزیون به‌شمار می‌آید.تصویربرداری این سریال از آذر ۱۳۹۸ در کرمان آغاز شده و در شاهرود، قشم، جلفا، شهرک‌های سینمایی غزالی، نور و دفاع‌مقدس ادامه داشته و هم اکنون بیش از ۴۰ درصد آن آماده شده است.

گفت‌وگوی «جام‌جم» با میترا رفیع، بازیگر سریال «بی‌همگان»

چالش‌های بازی در نقش یک دختر عاشق!

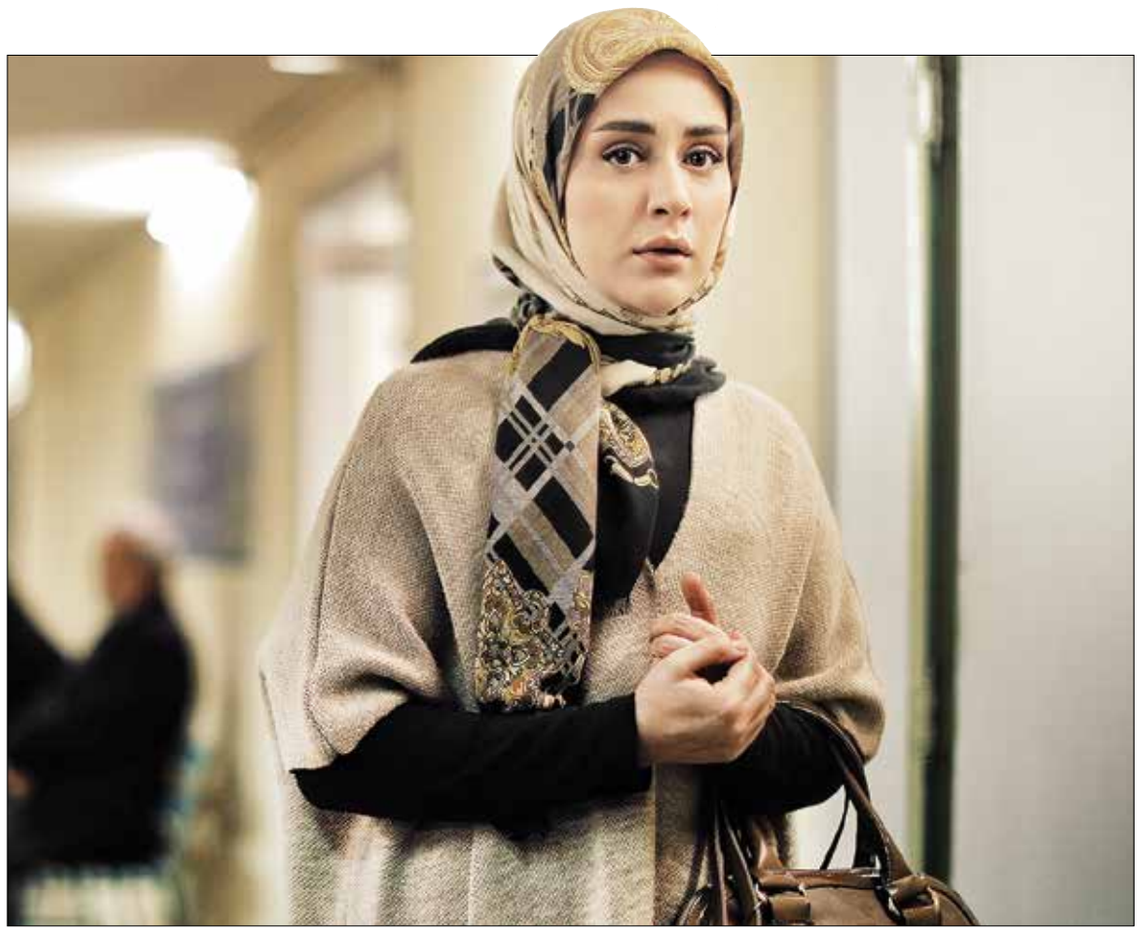

فاطمه عودباشی
دبیر گروه رسانه

الناز یوسفیان در سریال تلویزیونی «بی‌همگان»، همان میترا رفیع است که این شب‌ها مخاطبان شاهد بازی او هستند. این هنرمند جوان و تازه‌نفس توانسته نقش دختر عاشق‌پیشه را به‌خوبی ایفا کند. او با این‌که پدرش مخالف است اما پای عشقش می‌ایستد تا بتواند با امیرعلی(محمد صادقی) ازدواج کند اما در این مسیر با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند، زیرا امیرعلی به خاطر قتل ناخواسته به زندان می‌افتد و ... البته النازها در جامعه فراوان هستند. جوانان پرشوری که همه را مثل خودشان صاف و صادق می‌بینند، ولی آنچه در حوزه اختیار و اراده آنها نیست، زندگی را برای‌شان به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که از وضعیت مطلوب فرسنگ‌ها دور بمانند. الناز، ویژگی‌های بسیاری به لحاظ روحی و عاطفی دارد و مخاطبان، مرتب او را در موقعیت‌های متفاوت می‌بینند. با میترا رفیع، بازیگر این نقش به گفت‌وگو نشسته‌ایم که در زیر می‌خوانید.

مخاطب از شروع قصه، شاهد فراز و فرودهای زیادی در شخصیت الناز است و مرتب او را در موقعیت‌های متفاوت می‌بیند. وقتی قرار شد این نقش را بازی کنید، نگران خلق این موقعیت‌ها در بازی‌تان نبودید؟

شاید همین ویژگی که شما حدس می‌زنید مایه نگرانی من در بدو آشنایی با پیرنگ اثر شده باشد، همین نکته مرا مشتاق کرد تا مسئولیت خلق این کاراکتر را به عهده بگیرم. طبیعی است، چون کمتر بازیگری از مونوتون بودن نقش و یکنواختی احساسات آن کاراکتر احساس خوشایندی پیدا می‌کند، مگر به ضرورت اتمسفر اثر یا یک دلیل محکم دراماتیک. موقعیت‌هایی که الناز تجربه می‌کند و به تبع او من نیز در همان هندسه عاطفی قرار می‌گیرم، به عنوان یک بازیگر این امکان را به من می‌داد تا تمام حواس و غریزه‌ام را به کار بگیرم و چالش دلچسبی بود.

الناز، شخصیت بسیار آرامی دارد. حتی در شروع، مخاطب با خودش می‌گوید این شخصیت حتما سفید مطلق است، اما در ادامه می‌بینیم اتفاقا میترا در شرایط بحرانی، رفتارهایی دارد که برخلاف انتظار و توقع مخاطب است؛ به عنوان مثال وقتی پدرش تصمیم می‌گیرد او را به ترکیه بفرستد اما او یک تصمیم عجیب‌وغریب می‌گیرد و به دنبال فردی می‌رود که او را دوست داشته است. درباره این سکانس‌ها تا چه میزان با کارگردان صحبت کردید تا بتوانید درست خلق کنید؟

از همان ابتدا وقتی درباره الناز یوسفیان گفت‌وگو می‌کردیم، خبری از صحبت درباره طغیان و عصیان و اتفاق‌هایی از این دست نبود؛ بلکه ما درباره طبیعت عواطف بشری صحبت می‌کردیم و اتفاقاتی که بر الناز حادث می‌شود و او را به عنوان یک جوان آگاه و امروزی که از قضا عاشق است، وادار به واکنش می‌کند. همه ما می‌دانیم هیچ چیزی بدون محرک رخ نمی‌دهد و اساسا مقوله بازیگری نیز واکنش به این محرک‌ها و کنش‌هاست.

پس من هم طبق صحبت شما، الناز را دختری آرام، روشن، با احساس و متین می‌دانم، اما نکته این است که همه چیز در یک لحظه و بزنگاه مشخص رخ می‌دهد و کاری می‌کند ما از یک شخصیت آرام و مسلط شاهد تصمیماتی جسورانه باشیم.

به نظرتان امثال النازها چقدر در جامعه مابه‌ازای واقعی دارند و آیا شما برای خلق این شخصیت مابه‌ازایی داشتید و از دختران جامعه الگو گرفتید؟

اگر بخواهم به این سؤال پاسخ دهم، آن وقت باید راه رسیدن به نقش را بگویم و این‌که از تحلیل و بررسی مابه‌ازای بیرونی بهره برده‌ام یا نه که آن می‌شود بررسی شیوه بازیگری من. بهتر می‌بینم صرفا درباره وجود انسان‌هایی که مابه‌ازای واقعی الناز هستند و در جامعه و کنار ما در حال زندگی هستند صحبت می‌کنم؛ بله، به عقیده من وجود دارند دختران یا پسرانی که همواره برای رسیدن به مطلوب، صادقانه تلاش کرده‌اند و از جان و آسایش و زمان‌شان چشم پوشیده‌اند، اما به دلیل مشکلاتی که مثل گیاهان خودرو سر راه آنها سبز می‌شوند، ناکام و ناآرام باقی مانده‌اند. جوانانی که همواره به واسطه چشم ناظر کنترل و از هدف و خواست اصلی قلب‌شان دور می‌شوند، حالا این چشم ناظر می‌تواند خانواده باشد یا سیستم آموزشی یا هر سیستمی به هر حال، منظور من این است النازها فراوانند؛ جوانان جسور و پرشوری که همه را مثل خودشان صاف و صادق می‌بینند، ولی مختصاتی که در حوزه اختیار و اراده آنها نیست، زندگی را برای‌شان به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که از مطلوب فرسنگ‌ها دور بمانند.

فکر نمی‌کنید رفتارهای النازکمی با دختران امروزی جامعه فاصله دارد؟ با این‌که امیرعلی در گذشته او را رها کرده اما دوباره به او کمک می‌کند به کارخانه بیاید و حتی سوءسابقه امیرعلی هم برایش مهم نیست.

در پاسخ سؤال شما باید بگویم چیزی که هرگز تاریخ انقضاء ندارد عشق است. عاشق همواره در صدد بهره‌مند کردن معشوق است. حالا بهره‌مندی در هر زمینه‌ای هر هزینه‌ای که می‌خواهد داشته باشد هم مهم نیست. در سکانس‌هایی شاهد گفت‌وگوی الناز با دوستش بودیم و او ابراز می‌کرد از عشق فارغ است و هر چه بوده را فراموش کرده... اما درنهایت، در تنهایی او می‌دیدیم این فراموشی فقط به زبان بوده و قلبش هنوز درگیر عشقی است که دو سال قبل به طور پنهانی توسط پدر خودش رانده شده بود.

حالا اگر بخواهم الناز را با جوانان امروزی مقایسه کنم، شاید نظر شما حقیقت داشته باشد و در جامعه کنونی انسان‌ها کمتر عاشقند و بیشتر عاقل و عشق به معنای راستین و عمیقش در کمتر سینه‌ای جاخوش می‌کند. بنابراین خصوصیت عاشق بودن الناز، این نقش را برای من صدها برابر عزیزتر می‌کرد.

بیشتر بازی‌های شما مقابل مهدی سلطانی است که سابقه بازیگریش زیاد است. نگران نبودید بیشتر صحنه‌هایی که قرار است بازی کنید، کنار ایشان باشد؟

پیش از هر چیز می‌خواهم بگویم آقای سلطانی قبل از آن‌که بازیگری درجه یک باشند، انسانی درستکار و خردمندند. به عقیده من، این برای یک انسان بالاترین امتیاز است. پس چرا من باید از همکاری و همنشینی با انسانی مثال‌زدنی و هنرمند هراسی به دل راه بدهم؟

به‌علاوه این همکاری مایه افتخار و این نسبت پدر-دختری برایم دلنشین بود. همیشه جدا از تمرینی که قبل از برداشت اصلی رخ می‌داد، درباره لحظات و موقعیت‌های‌مان گفت‌وگو می‌کردیم و بارها به‌واسطه گفته‌های پدرم به نتایج خوبی رسیدم.

برخی دیالوگ‌های الناز که درباره بها دادن به جوانان و نخبه‌هاست گل درشت به نظر می‌رسد. این دیالوگ‌ها در فیلمنامه بود یا سر صحنه کارگردان خواسته بود دیالوگ‌ها به این شکل دربیاید؟

بیشتر سؤالات‌تان را می‌پسندم و باب طبع من هستند! من مسئول به دوش کشیدن بار دراماتیکی هستم که نقش الناز بر شانه‌هایم گذاشته، اما نمی‌توانم سلیقه‌ای عمل کنم و بگویم فلان دیالوگ در بهمان فضا غیرطبیعی به نظر می‌آید. آن هم زمانی که کارگردان در آن لحظه وفادار به فیلمنامه است. زمانی‌که شما چای‌نبات می‌نوشید، نمی‌توانید برای جلوگیری از ابتلا به مرض قند، شیرینی را از چای جدا کنید؛ شما پذیرفته‌اید چای‌نبات بنوشید.

این فیلمنامه برای سازمان صداوسیما به نگارش درآمده و کارگردان هم دست به تولید همان نوشته می‌زند. البته همواره چه از جانب من چه از جانب گروه، تلاش بر این بوده که لحظات و گفت‌وگوها باورپذیر و ساده و شبیه زندگی واقعی باشند، اما گاهی متریالی که در دست داریم، مانع از رخ دادن این فرآیند می‌شود.

جدای از مسأله فرم، من با محتوای آن دیالوگ‌ها کاملا موافقم و فکر می‌کنم تا وقتی یک جامعه به شایسته‌سالاری دست پیدا نکند، آینده روشنی نخواهد داشت. ولی درنهایت مهم این است که این حرف‌ها تا چه میزان جامه عمل می‌پوشند.

کارگردانی این سریال به عهده دو کارگردان بود و بخش‌هایی از سریال را با بهرنگ توفیقی ضبط کردید و بعد سکانداری ادامه کار به عهده اصغر هاشمی شد. برایتان سخت نبود با دو کارگردان کار کنید، زیرا هر کارگردانی نگاه خودش را در کار دارد.برای من عجیب بود؛ زیرا تا به حال چنین تجربه‌ای نداشتم. به هرحال با هدایت و گفت‌وگوی یک کارگردان، نقشی را آغاز و مهندسی می‌کنی و بعد باید با کارگردانی دیگر همراه و هماهنگ بشوی. هر دو کارگردان بسیار محترم و عزیزند اما به هر حال تجربه‌ای تازه بود. وقتی قرار شد من در این پروژه همکاری کنم، آقای توفیقی بودند که در پروسه پیش‌تولید حاضر بودند و زحمت ساخت نیمه نخست تولید سریال را ایشان به عهده داشتند و از نیمه کار همان‌طور که می‌دانید آقای هاشمی در سمت کارگردان به پروژه پیوستند و کار را پیش بردند.

هر دو زحمت بسیار کشیدند و به ایشان خسته نباشید می‌گویم و از همراهی و هدایت‌شان ممنونم. به هرحال طبیعی است تفاوت‌ها در جهان‌بینی و زیبایی‌شناسی ایشان وجود داشته باشد، اما نکته‌ای که باعث انسجام اثر می‌شد، خط اصلی فیلمنامه بود و این‌که هر دو هنرمند با وفاداری به روایت، گروه را هدایت می‌کردند و این موضوع باعث شد کار یکپارچگی خود را تا حدودی حفظ کند. حضور آقای مهدی رضایی، مدیر فیلمبرداری نیز به تداوم زیبایی‌شناسی و یکدستی قاب‌بندی‌ها که از ابتدای فیلمبرداری در زمان آقای توفیقی شکل گرفته بود بسیار کمک کرد.

تجربه با دو کارگردان در یک اثر واحد رخدادی است که در سینمای جهان به کرات دیده می‌شود و گاهی سریال‌ها حتی با دو یا چند کارگردان تولید می‌شوند. البته آقای هاشمی هم با توجه به نیمه نخست سریال که ساخته آقای توفیقی بود تا حدودی همان جهان‌بینی را دنبال می‌کردند تا از دو دست شدن کار جلوگیری شود. من همین‌جا دست تمام کسانی که در این راه یاری‌ام کردند را به مهر می‌فشارم و از آقایان مهام، توفیقی و هاشمی سپاسگزارم.

تجربه با دو کارگردان در یک اثر واحد رخدادی است که در سینمای جهان به کرات دیده می‌شود و گاهی سریال‌ها حتی با دو یا چند کارگردان تولید می‌شوند

درنگ

گلنار سریال «گیلدخت» هستم

رفیع در پاسخ به این سوال که چرا گزیده‌کار هستید و کمتر بازی می‌کنید، توضیح می‌دهد: امیدوارم این‌گونه باشم که می‌گویید، ولی حقیقت این است که من توفیق داشتم از مهرماه سال ۱۳۹۸ تا همین ماه قبل، مقابل دوربین و مشغول همکاری در دو پروژه بلندمدت و دشوار باشم. پیش از این مشغول بازی در یک پروژه دو ساله بودم. آن کار یک ملودرام عاشقانه عهد قجری بود که در ۶۰ قسمت تهیه شده‌است؛ سریالی به نام «گیلدخت». یک داستان کلاسیک و قهرمان‌محور که قهرمانش دختری به نام گلنار است. خدا خواست دو سال مشغول خلق کاراکتر گلنار باشم و پس از چند روز استراحت توفیق پیدا کردم به پروژه بی‌همگان بپیوندم. ولی درکل این کیفیت نقش است که مرا به‌رغم طول زیاد کاراکتر از حضور در پروژه‌ای منصرف و گاهی با وجود کوتاهی نقش مرا مشتاق به همکاری می‌کند. هر چند چه درباره گلنار و چه الناز، هر دو کاراکتر هم برایم از لحاظ آرتیستیک جذاب و پرچالش و هم از نظر طول حضور، نقش‌های بزرگ و پرزحمتی بودند.

بینید و بشنوید

شبکه یک

۶:۰۵	صبح بخیر ایران
۱۱:۲۰	آفتاب شرقی
۱۷:۳۵	موج
۱۹	مسابقه ایران
۲۳	ثریا

شبکه دو

۱۵	جاذبه‌های ایران
۱۵:۱۵	دست کی بالا؟
۱۸	کام شیرین
۲۱:۳۰	سریال ایرانی

شبکه چهار

۱۳:۲۵	نغمه‌ها
۱۴:۵۵	معرفت
۱۸	مجموعه «خانم مارپل»
۲۱:۳۰	چهارسوی علم
۲۲:۳۰	شیوه

شبکه پنج

۸	سلام تهران
۱۵:۳۵	معجزه امید
۲۰	تهران بیست
۲۱	سرچشمه
۲۲	کهکشانیا
۲۳	سریال «شبح را بگیر»: سریالی کره‌ای محصول ۲۰۱۹؛ یو ریونگ دارای حس عدالت‌طلبی قوی و قوه ادراک ماوراءطبیعی است. او از این حس و نیرو برای حل کردن پرونده‌ها استفاده می‌کند ولی بیشتر اوقات به‌دلیل عجول بودن دچار دردسر می‌شود، او با رئیس پاسگاه وانگ سیمنی ملاقات می‌کند و...

شبکه پویا

۹:۳۰	اتل متل یه جنگل
۱۰	محله سبزیجات
۱۰:۳۰	خانه آبنباتی
۱۲:۳۰	عروسک‌های دوست‌داشتنی
۱۳	ماهی فضایی
۱۳:۳۰	نیک و نیکو

شبکه نهال

۱۶	دنیای آبی
۱۶:۳۰	توربو و دوستان
۱۶:۴۵	کتاب جنگل
۱۸	یک دو سه خنده
۱۸:۳۰	مجموعه «آنه شرلی»
۱۹:۳۰	شهر موشکی

شبکه‌های امید

۸:۳۰	مجموعه «گمشده در فضا»
۱۱:۲۰	از نمای امید
۱۱:۳۰	انیمیشن آقا معلم و بچه‌ها
۱۸	مسابقه فامیل بازی
۲۰	اقیانوس آرام
۲۱	مجموعه «مدرسه ما»

شبکه‌های رادیویی

۹	رادیو جوان/ هفتک (جنگ مفرح صبحگاهی)
۱۰:۵۰	رادیو اقتصاد/زنجیره (بیان مسائل و موضوعات مختلف اصناف در اقتصاد کشور در چارچوب زنجیره تامین و کاهش هزینه‌های تامین و قیمت تمام شده محصولات)
۱۷	رادیو سلامت/ افرا (تاثیر محیط زیست بر آرامش روان)
۱۷	رادیو فرهنگ/ هفت اقلیم
۲۱	رادیو گفت‌وگو/ گفت‌وگوی علمی (بررسی پروژه‌های تولید واکسن دام و طیور)
۲۲	رادیو تهران/ بر بلندای همت
۲۳:۴۵	رادیو ورزش/ نامه پهلوانی

زادروز

قربان‌زاده ۴۴ ساله شد

علی قربان‌زاده یکی از بازیگرانی است که زمانی داشت به ستاره سینما بدل می‌شد. او با فیلم «سیاوش» به کارگردانی سامان مقدم کنار بازیگران شاخص و چهره بر پرده سینما دیده شد، به‌سرعت راه شهرت پیمود اما بازی در سریال «داستان یک شهر» بود که قربان‌زاده را میان مخاطبان تلویزیون هم مطرح کرد. این بازیگر که ۳۰ مهر ۴۴ ساله شد، در قاب جادو به نقش‌هایی در سریال‌های «آینه‌های نشکن»، «شبی از شب‌ها»، «شمس‌العماره»، «نون و ریحون» و ... جان داد. آخرین کار این هنرمند در سریال «دیوار به دیوار ۲» که این شب‌ها از آی فیلم پخش می‌شود.

پخش

«آقامعلم و بچه‌ها» با امید می‌آیند

علاقه‌مندان به پویانمایی به تماشای سری جدید «آقامعلم و بچه‌ها» از تولیدات مرکز پویانمایی صبا هر روز پیش از ظهر از شبکه امید می‌نشینند. مجموعه‌ای که به خاطر استقبال مخاطبان ادامه‌دار شده و بازخوردهای زیادی داشته است.

سری پنجم آقامعلم و بچه‌ها در ۱۳ قسمت ۱۳ دقیقه‌ای به کارگردانی و تهیه‌کنندگی داوود حدیثی با تکنیک کات‌اوت برای مخاطبین کودک تهیه و تولید شده است.

آقامعلم و بچه‌ها سعی دارد قصه‌ها و روایت‌های مشترکی که برای کودکان در طول زندگی رخ می‌دهد را به بهانه معرفی روستا برای کودکان بازگو کند و علاوه بر تعامل کودکان با یکدیگر به تعامل دانش‌آموزان با معلم به‌عنوان یک الگوی قابل رجوع نیز می‌پردازد.

در هر قسمت این مجموعه موضوعی انتخاب شده و با گفتمان دوطرفه معلم و شاگرد روایت می‌شود.

قهرمان داستان این انیمیشن، معلمی است که محل رجوع تمام مشکلات بچه‌ها و فصل‌الخطاب روایت‌هاست. آقامعلم و بچه‌ها هر روز ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه از شبکه امید پخش می‌شود.

سیما

«پلاک ۱۳» تماشایی می‌شود

سال گذشته مجموعه طنزی به نام «پلاک ۱۳» از شبکه سه پخش می‌شد که ادامه ماجراهای این مجموعه تا نوروز امسال هم روی آنتن بود. محور اصلی این مجموعه به تهیه‌کنندگی سلیم ثنایی، زندگی و کنار آمدن شخصیت‌ها در یک عمارت بود. آرام‌آرام شخصیت‌های جدید وارد این خانه می‌شدند که هرکدام داستان جالبی را به همراه داشتند.

این مجموعه یادآور طنزهای ۹۰ شبی موفقی بود که از تلویزیون پخش می‌شد. داستان‌های پلاک ۱۳ ساده اما درعین‌حال شیرین بود و بازیگران نام‌آشنا و شناخته‌شده‌ای ازجمله محمود جعفری، نگار عابدی، شهره سلطانی، امیرحسین صدیق، اردلان شجاع‌کاوه، رضا شفیعی‌جم، حسین رفیعی، مهران رجبی، بیژن بنفشه‌خواه، علی صادقی، سامان دارابی، سیاوش مفیدی، شهین تسلیمی، پژمان بازغی و ... در آن حضور داشتند. این مجموعه به‌زودی روی آنتن شبکه تماشا خواهد رفت و علاقه‌مندان به طنزهای ۹۰ شبی می‌توانند به تماشای این مجموعه بنشینند.